**باسمه تعالی**

[مرجحات باب تزاحم 1](#_Toc465199986)

[ترجیح به بی بدل 1](#_Toc465199987)

[بدل عرضی 2](#_Toc465199988)

[بدل طولی 2](#_Toc465199989)

[بررسی بدل عرضی 3](#_Toc465199990)

[بررسی بدل طولی 3](#_Toc465199991)

[محقق خویی: نبود تزاحم در بدل طولی 3](#_Toc465199992)

[مناقشه: بدل نبودن افراد طولی واجب موسع و افراد عرضی واجب (نظر تحقیق) 4](#_Toc465199993)

[نظر تحقیق: انتفای حکم عرف نسبت به تقدم بی بدل 4](#_Toc465199994)

[برگشت «بی بدل» به «اشتراط قدرت عقلی» 5](#_Toc465199995)

**موضوع**: تعارض/مقدمه یکم: تعریف/خروج تزاحم از تعریف /مرجحات در تزاحم

**خلاصه مباحث گذشته:**

سخن به مرجحات باب تزاحم رسید.

##### مرجحات باب تزاحم

اساس کار در باب تزاحم بیانات محقق نائینی است لذا ترتیب بحث ما همان ترتیب بحث ایشان میباشد. مرحوم محقق نائینی در بحث امر به شیئ مقتضی از ضد، مرجحات باب تزاحم را مترتب بر یکدیگر قرار داده است. در رتبه نخست مرحجیت بی بدل بر ذو بدل، و اگر هر دو ذو بدل بودند یا هر دو بی بدل بودند نوبت به مرجحیت مشروط به قدرت عقلی میرسد که آن مقدم است بر مشروط به قدرت شرعی و اگر هر دو مشروط به قدرت عقلی بودند نوبت به مرجح بعدی میرسد و هکذا.

###### ترجیح به بی بدل

مرحوم محقق نائینی: «اگر یکی از متزاحمین ذو بدل بود و دیگری بی بدل، طرف بی بدل مقدم است بر ذو بدل. و بدل بر دو قسم است: بدل عرض و بدل طولی».

بدل عرضی

مثلاً شخصی هم باید روزه قضا بگیرد و هم روزه کفاره و جز بر انجام یکی قدرت ندارد. روزه قضا بدل ندارد و روزه کفاره بدل دارد و بدل آن اطعام و عتق است. در اینجا روزه قضا مقدم است بر روزه کفاره چون پرواضح است که بی بدل مقدم است بر ذو بدل، لذا قدرتش را صرف روزه قضا میکند و برای کفاره اطعام انجام میدهد.

وجه تقدم بی بدل بر ذو بدل آن است که بی بدل اقتضاء دارد و ذو بدل لااقضاء است. امر به قضاء روزه میگوید حتما مرا امتثال کن و روزه بگیر، و امر به انجام کفاره نمیگوید حتما روزه بگیر بلکه میگوید یا روزه بگیر یا اطعام کن و در دوران امر بین اقتضاء و لااقتضاء روشن است که اقتضاء مقدم است لذا محقق نائینی میفرماید بدون نیاز به برهان بی بدل مقدم است.

بدل طولی

محقق نائینی برای بدل طولی مثال زده اند به جایی که شخص هم محدث است و هم بدنش متنجس و یک آب بیشتر ندارد با آن آب یا باید وضو بگیرد و یا باید خود را تطهیر کند. اینجا طهارت از حدث بدل طولی دارد و بدل طولی آن تیمم است «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً»[[1]](#footnote-1) و طهارت از خبث بدل ندارد. امر به تحصیل طهارت از حدث با امر به تحصیل طهارت از خبث تزاحم دارند و طهارت از حدث بدل دارد اما طهارت از خبث بدل ندارد و بی بدل مقدم است بر ذو بدل.

محقق نائینی برای تقدم بی بدل بر ذو بدل طولی برهانی اقامه نکرده است. گویا وجه تقدم آن در ذهن صاف بوده است.

برخی گفته اند که دلیل تقدم بی بدل در این قسم به صورت سینه به سینه و شفاهی از مرحوم نائینی ذکر شده است و آن عبارت است از اینکه عرف و عقلا بی بدل را بر ذو بدل طولی مقدم میدارند.

مثال دیگر برای بدل طولی

کسی که آب برای وضو دارد لکن وقت نماز تنگ است و میگذرد و اگر تیمم کند میتواند نماز را در وقت بخواند و اگر وضو بیگرد وقت میگذرد، در این فرع وقت بدل ندارد و وضو بدل دارد، این فرع نیز از امثله تزاحم میباشد.

در فرع دیگر شبیه فرع پیشین، اگر شخص وضو بگیرد یک رکعت را میتواند در وقت بخواند و اگر تیمم کند تمام نماز را میتواند در وقت بخواند، در این فرع نیز وقت که بدل ندارد لذا نماز با تیمم مقدم است بر نماز با وضویی که یک رکعت نماز در وقت قرار میگیرد.

اشکال: اگر وضو بگیرد میتواند یک رکعت از وقت را درک کند؛ در اینجا هر دو تکلیف بدل دارند، هم وقت بدل دارد، و هم وضو، نمازی که کلش در وقت است بدل دارد و بدل آن نمازی است که یک رکعت آن در وقت است «من ادرک رکعة من الوقت فقد ادرک الوقت»، و وضو هم بدل دارد و بدل آن تیمم است و با تیمم تمام چهار رکعت در وقت قرار میگیرد. در این فرع با اینکه هر دو بدل دارند اما نماز با وضو همراه با درک یک رکعت از وقت مقدم است بر نماز با تیمم همراه با درک چهار رکعت از وقت.

پاسخ: اینکه هر دو ذو بدل هستند توهم است. وقت بی بدل است لذا باید تیمم کند و چهار رکعت نماز در وقت بخواند و نوبت نمیرسد به نماز با وضو همراه با درک یک رکعت از وقت. روایت «من ادرک من الوقت رکعة فقد ادرک الوقت» جایی را میگوید که مکلف نمیتواند چهار رکعت را در وقت بخواند اما در فرض ما قدرت دارد.

بررسی بدل عرضی

سخن محقق نائینی مبنی بر تقدم روزه قضا در بدل عرضی تمام است، لکن حقیقت آن است که در بدل عرضی تزاحمی نیست. همانگونه محقق خویی فرموده اند ذو بدل عرضی از دایره تزاحم خارج است چون تزاحم جایی است که مکلف دو امر دارد و یک قدرت اما در بدل عرضی دو امر است و دو قدرت؛ امر شده به قضا روزه و امر شده به کفاره که فرادی دارد و افراد آن ابدال عرضی هستند ـ افراد کفاره عبارتند از صوم و اطعام و عتق، و وقتی که مکلف قدرت بر یک فرد دارد و قدرت بر فرد دیگر ندارد در حقیقت قدرت بر انجام جامع دارد لذا امر به جامعی که یک فردش مقدور نیست تزاحمی با امر دیگر ندارد.

بررسی بدل طولی

محقق خویی: نبود تزاحم در بدل طولی

محقق خویی در مصباح الاصول فرموده اند: «در بدل طولی نیز تزاحمی وجود ندارد».

ایشان برای بدل طولی مثال زده اند به «صل» و «ازل النجاسة عن المسجد». اگر وقت نماز مضیق باشد مقدم است بر ازاله، اما اگر موسع باشد دارای بدل های طولی است، نماز در وقت اول، نماز در وقت دوم، نماز در وقت سوم و اینگونه تا لحظه ای که وقت خارج شود، در این فرض ازاله بی بدل است و نماز بدل طولی دارد و پرواضح است که ازاله مقدم است چون بین دو واجب تزاحمی نیست، فردی که برای ازاله متصور است همین ازاله است و افراد زیادی برای نماز متصور است، در نماز آنچه واجب است جامع نماز بین الحدین می باشد، و «صل» نسبت به نماز در این لحظه لااقتضا است و «ازل» نسبت به ازاله در این لحظه اقتضا است و بدون شک و شبهه اقتضا بر لااقتضا مقدم است.

مناقشه: بدل نبودن افراد طولی واجب موسع و افراد عرضی واجب (نظر تحقیق)

به نظر میرسد ایشان بدل طولی را بد معنا کرده اند. و مثالی که برای بدل طولی آورده مثال نادرستی است، مرحوم خویی خود اجود التقریرات را نوشته اند و برای اقتضا و لا اقتضا مثال محقق نائینی طهارت از حدث و طهارت از خبث را ذکر کرده اند، طهارت از حدث بدل دارد و طهارت از خبث بدل ندارد.

بدل یعنی شارع عدلی را مترتب بر آن قرار داده است، اول این را انجام بده او اگر این مقدور نبود آن را انجام بده. با این حساب نه در واجب موسع بدل وجود دارد و نه در بدل عرضی، هر چند به افراد عرض بدل و ابدال میگویند اما آنچه در واجب موسع و ابدال عرض واجب شده است جامع است و مکلف بین افراد عقلی آن مخیر است، و ترتبی بین افراد نیست، اما در بدل شارع فرموده اول ذوبدل را انجام بده و اگر نشد بدل را انجام بده.

به ذهن میرسد مرحوم محقق خویی در این بحث بر حافظه اتکال نموده است. جای بحث را در مسأله امر به شیئ مقتضی از ضد میداند لکن اصل جای بحث همین جا است و بدل هم شامل افراد طولی و افراد عرضی نیست، هر چند مردم در مورد افراد عرضی تعبیر به بدل میکنند اما مثال بدل به افراد طولی نادرست است.

نظر تحقیق: انتفای حکم عرف نسبت به تقدم بی بدل

اینکه محقق نائینی وجه تقدم بدل طولی را حکم عرف میداند جای مناقشه دارد، نظر تحقیق آن است که عرف مطلقاً به تقدم و ترجیح هر بی بدل حکم نمی کند.

عرف اهل حساب و کتاب است اگر بدل بتواند عمده مصلحت ذو بدل را تدارک کند، مصلحت بی بدل تدارک شده است. و اینجا برای عرف محرز نیست که بدل چه مقدار از مصلحت ذوبدل را استیفا میکند، شاید مصلحتی را که بدل استیفاء میکند به همراه مصلحتی که مزاحم استیفاء میکند مجموعاً کمتر از مصلحت ذو بدل به تنهایی باشد. مثلاً اگر وضو 100 درجه مصلحت استیفاء مکند شاید تیمم 50 درجه مصلحت استیفاء میکند و طهارت از خبث 20 درجه که مجموعا از مصلحت وضو کمتر است!

در نظر تحقیق به محقق نائینی عرض میکنیم: یا میرزای نائینی: از طرفی شما خطابات را قاصر از کشف ملاکات میدانید و از طرفی هم عرف احراز نمی کند که بدل مستوفی ملاک ذو بدل است! با این اساس عرف نمیتواند مطلقا حکم به تقدم بی بدل کند!

از این نکته غافل نشود که تیمم و وضو مساوی هستند. در فرضی که مکلف عاجز از وضو است، تیمم مساوی با آن است «التراب احد الطهورین» «خالق التراب هو خالق الماء». آنچه اظهار میشود از اینکه تیمم کمتر از وضو است، خاک کمتر از آب است اینها بافتنی است.

برگشت «بی بدل» به «اشتراط قدرت عقلی»

برای ترجیح به بی بدل بر ذو بدل باید پناه آورد بر دیگر مرجحات. برخی از محققین فرموده اند بی بدل بودن از مصادیق مرجات آتی است.

صاحب منتقی الاصول: «ترجیح به بی بدل به جهت بیان محقق نائینی نمیباشد بلکه به جهت مرجیت مرجح دوم میباشد». در مرجح دوم خواهد آمد که اگر دو واجب متزاحم وجود داشتند که یکی مشروط بود به قدرت عقلی و دیگری مشروط بود به قدرت عقلی، واجبی که مشروط به قدرت عقلی است ترجیح دارد بر تکلیفی که مشروط است به قدرت شرعی.

ادعا آن است که قدرت شرعی در بی بدل اخذ نشده است و در ذو البدل اخذ شده است. امر به تطهیر لباس از خبث مشروط به قدرت شرعی نیست، مشروط به قدرت عقلی است، «تطهیر کند لباست را از خبث» یعنی تطهیر کند اگر قادر هستی و امر به ذو بدل همیشه مشروط به قدرت شرعی است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلاَةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ ... فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً»[[2]](#footnote-2)

بحث را ملاحظه بفرمایید.

1. سوره مبارکه مائده آیه 6. [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره مبارکه مائده آیه 6. [↑](#footnote-ref-2)